

بازخوانی فضاهای ذهنی و بازنمایی زن در ادبیات سورئال: مطالعه موردی بوف کور و بازتاب آن در زبان معماری

فاطمه حسنعلی^۱، مریم ارمغان^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

Fateme.hassanali@iau.ir

۲- استادیار، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)

maryam.armaghan@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۷/۱۹]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۵/۵]

چکیده

ادبیات سورئال به‌عنوان یکی از جریان‌های تأثیرگذار قرن بیستم، تلاشی برای نفوذ به لایه‌های ناخودآگاه و آشکارسازی منطق پنهان ذهن انسان است. این مکتب با پیوند رؤیا و واقعیت، مرز میان ذهن و عین را درهم می‌ریزد و فضایی خلق می‌کند که در آن تجربه زیسته، خیال و حافظه در هم می‌آمیزند. در چنین بستری، مفهوم فضا از حدود کالبدی فراتر می‌رود و به نمود روان، جنسیت و درونیات انسان بدل می‌شود. این رویکرد، نه تنها در ادبیات بلکه در سایر هنرها از جمله معماری، بستری برای بازاندیشی در تجربه فضایی فراهم می‌سازد. رمان بوف کور صادق هدایت، به‌عنوان نمونه‌ای برجسته از ادبیات سورئال در ایران، با خلق فضاهایی رازآلود و ذهنی، امکان تحلیل مفاهیمی چون زمان، ادراک و جنسیت را مهیا می‌کند. در این اثر، بازنمایی زن نقشی محوری در شکل‌گیری فضاهای روانی و ناخودآگاه دارد و به‌گونه‌ای نمادین ساختار فضایی روایت را سامان می‌دهد. این پژوهش با رویکردی بین‌رشته‌ای و با بهره‌گیری از روش تحلیل نشانه‌شناسی کیفی، به واکاوی فضاهای ذهنی و بازنمایی زن در بوف کور و بازتاب مفاهیم سورئالیستی آن در زبان معماری می‌پردازد. از طریق تحلیل لایه‌های تصویری و نمادین متن، الگوهای فضایی حاصل از پیوند واقعیت و رؤیا استخراج و به مفاهیم طراحی فضایی ترجمه شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که به‌کارگیری مفاهیم سورئالیستی در فرآیند طراحی، می‌تواند زمینه‌ساز خلق فضاهایی چندلایه، درون‌نگر و تجربه‌محور در معماری معاصر باشد؛ فضاهایی که نه صرفاً عملکردی، بلکه بازتابی از جهان ذهنی و روان انسان‌اند.

واژگان کلیدی: ادبیات سورئال، بوف کور، بازنمایی زن، فضاهای ذهنی.

۱- مقدمه

ادبیات و معماری، دو شاخه از هنر هستند که به طور متفاوت اما عمیقاً مرتبط، جهان ذهنی انسان را بازتاب می‌دهند. در حالی که ادبیات با کلمات به بیان درونیات می‌پردازد، معماری با فضا و فرم، تجسمی از ذهن انسان ارائه می‌دهد. در این میان، جنبش سورئالیسم^۱ به عنوان یکی از جریان‌های نوآور در هنر و ادبیات قرن بیستم، نقشی کلیدی در بازتعریف تلقی انسان از واقعیت و شکل‌دهی به فضاهای ذهنی ایفا کرده است. این مکتب با تأکید بر آزادسازی ناخودآگاه و پیوند رؤیا و واقعیت، بر عرصه‌های گوناگون هنری، از جمله معماری، اثرگذار بوده است (Pavka, 2018).

سورئالیسم، با تأکید بر کشف ناخودآگاه، ترکیب رؤیا و واقعیت و عبور از مرزهای منطق، زمینه‌ای برای خلق فرم‌های جدید در هنر و معماری فراهم آورده است. این جنبش، با ایجاد فضاهای خیالی و غیرمنتظره، طراحان و معماران را به سمت تفکر درباره فضاهای ذهنی و فراتر از محدودیت‌های عملکردی سوق داده است (Kulkarni, 2022).

در این راستا، معماری به عنوان یک هنر فضایی، ظرفیت زیادی برای انعکاس و بازنمایی مفاهیم پیچیده ذهنی و ناخودآگاه دارد که این ظرفیت در آثار ادبی سورئال به خوبی قابل مشاهده است. رمان «بوف کور» صادق هدایت، به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های ادبیات سورئال در ایران، جهانی از فضاهای مبهم، ذهنی و رمزآلود خلق می‌کند که مخاطب را به سفری در اعماق ناخودآگاه فردی و جمعی می‌برد. در این روایت، زن نه تنها به عنوان یک شخصیت، بلکه به مثابه عنصری استعاری و روان‌شناختی، نقش کلیدی در شکل‌گیری فضاهای ذهنی ایفا می‌کند. این فضاها که میان واقعیت و خیال در نوسان‌اند، جلوه‌ای از تمنیات، هراس‌ها و فرافکنی‌های ذهن راوی‌اند و از همین رو، بستری مناسب برای تحلیل جنسیت، ناخودآگاه و معماری ذهنی فراهم می‌سازند (Szilagyi, 2021).

سورئالیسم که به معنای گرایش به فرا واقعیت یا واقعیتی فراتر از عقل خودآگاه است، در پی کشف لایه‌های پنهان ذهن و بیان آن از طریق تصویرسازی، تداعی آزاد و تلفیق رؤیا و واقعیت است. این مکتب تنها محدود به ادبیات یا نقاشی نیست، بلکه در مفهوم گسترده خود، به یک نگرش هنری، روان‌کاوانه و حتی فلسفی بدل شده است که مرزهای میان هنر، روان‌شناسی و حتی معماری را در می‌نوردد. در معماری، این نگرش به صورت فضاهایی تجسم یافته است که نه تنها عملکردی بلکه معنایی و احساسی هستند. به عنوان مثال، معمارانی همچون فردریک کیسلر با پروژه‌هایی مانند «اتاق خرافات» در سال ۱۹۴۷، تلاش کردند تا با استفاده از اصول سورئالیستی، فضاهایی را خلق کنند که تجربه‌ای فراتر از واقعیت معمولی ارائه دهند. این پروژه‌ها نشان‌دهنده تلاقی هنر و معماری در قالبی نوین و تجربی هستند (Weir, 2022).

از منظر این پژوهش، مفاهیمی چون تعیین‌ناپذیری، ساختارشکنی، ناخودآگاه و بازنمایی زن به عنوان دیگری رازآلود، نه تنها در لایه‌های روایی «بوف کور» حضور دارند، بلکه می‌توانند در فرآیند طراحی فضاهای معماری نیز الهام‌بخش باشند. بازخوانی این رمان از منظر فضاهای ذهنی و جنسیت، امکان بازتعریف روابط میان بدن، فضا و معنا را فراهم می‌آورد؛ به‌ویژه آنجا که فضا، بازتاب روان و گفتمان‌های فرهنگی پیرامون زن می‌شود. از این منظر، «بوف کور» را می‌توان نه فقط متنی ادبی، بلکه نقشه‌ای ناخودآگاه برای خوانش جنسیت‌محور فضا دانست (Leshchenko et al., 2024).

مقاله‌ی حاضر با هدف بررسی تأثیر ادبیات سورئال بر معماری و به‌طور خاص، واکاوی رمان بوف کور، تلاش دارد نشان دهد که چگونه فضاهای ذهنی و بازنمایی زن در این رمان می‌توانند الهام‌بخش خلق فضاهایی تازه در معماری باشند؛ فضاهایی که نه صرفاً کارکردی، بلکه چندلایه، ذهنی و آغشته به ناخودآگاه‌اند. با تحلیل فضاهای ترسیم‌شده در بوف کور، از جمله خانه‌های متروک، اتاق‌های انزوا، حضور زن اثری و تصاویر تکرارشونده، مقاله می‌کوشد تا الگویی برای طراحی معماری از دل ادبیات ارائه دهد. در این جستار، ابتدا

برخی آثار شاخص سورئالیستی در ادبیات داستانی و نمایشی ایران، به‌ویژه بوف کور، بررسی می‌شود. سپس تلاش می‌شود تا نشانه‌های برجسته‌ی سورئال در این رمان استخراج شده و ظرفیت‌های آن برای بازآفرینی در عرصه معماری تحلیل گردد. بوف کور اثری است که هم‌زمان رگه‌هایی از رئالیسم، رمانتیسم، سمبولیسم و سورئالیسم را در خود دارد. هرچند ابهام در سبک آن همواره محل بحث منتقدان بوده، اما اغلب دیدگاه‌ها بر وجه غالب سورئالیستی آن تأکید دارند.

پژوهش پیش رو با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر شاخصه‌های معرفتی مکتب سورئالیسم، به تحلیل فضاهای ذهنی، جنسیت و ناخودآگاه در بوف کور می‌پردازد. در نهایت، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که: «آیا می‌توان از مؤلفه‌های سورئالیستی رمان بوف کور در خلق و طراحی فضاهای معماری بهره گرفت؟» این پژوهش، ضمن بررسی مفاهیم بنیادین سورئالیستی، امکان بهره‌گیری از ادبیات به‌عنوان منبع الهام برای طراحی معماری را می‌سنجد و بر اهمیت ادغام ناخودآگاه، جنسیت و فضا در فرآیند طراحی تأکید می‌کند.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

تحقیقات متعددی در زمینه تأثیر مکتب ادبیات سورئالیسم بر ادبیات و معماری ایران انجام شده است. بیشتر این مطالعات، تمرکز بر بررسی تطبیقی متون عرفانی از دیدگاه سورئالیستی داشته‌اند و با تحلیل آثار کلاسیک و مدرن ادبی ایران، به بازخوانی عناصر سورئالیستی پرداخته‌اند. برای نمونه، سبیکه اسفندیار (۱۳۹۴) با مطالعه داستان «دقوقی» در مثنوی مولوی، به تحلیل سورئالیستی محتوای عرفانی پرداخت و نشان داد که چگونه تصاویر ذهنی و استعاری در ادبیات عرفانی می‌تواند با مفاهیم سورئالیستی تطبیق یابد. به‌طور مشابه، ادریس امینی (۱۳۹۴) در مقاله «عرفان سورئالیزه: خوانش سکولار سنت عرفانی در شعر ادونیس» به تحلیل بین‌متنی شعر «تحولات عاشق» پرداخت و تأثیر نمادها و تداعی آزاد بر ساختار روایی آثار عرفانی را نشان داد.

مطالعات دیگری نیز به بررسی ویژگی‌های سورئالیسم در داستان‌ها و رمان‌های فارسی و عربی معاصر پرداخته‌اند؛ از جمله بررسی رمان «الشحاذ» اثر نجیب محفوظ (حیدری، ۱۳۹۳) و تحلیل بوف کور و شازده احتجاب به‌عنوان نمونه‌های سورئالیست در ادبیات فارسی (قویمی، ۱۳۸۷). این پژوهش‌ها عمدتاً نشان داده‌اند که آثار سورئالیستی با استفاده از تصاویر غیرمعمول و فضاهای ذهنی، امکان بازنمایی ناخودآگاه و مفاهیم پیچیده روانی را فراهم می‌کنند. با این حال، در بررسی پیشینه مشخص می‌شود که اغلب پژوهش‌های انجام شده، به تحلیل صرف متون ادبی و تطبیق آن با مفاهیم عرفانی محدود شده‌اند و ارتباط میان ادبیات سورئالیستی، به‌ویژه رمان بوف کور و معماری به‌عنوان زمینه‌ای ذهنی و فضاسازی مبتنی بر تصاویر و نمادهای غیرمعارف به‌طور جامع مورد بررسی قرار نگرفته است. خلأ دیگر این است که در دهه گذشته، منابع پژوهشی تازه و تحلیل‌های به‌روز در زمینه کاربرد مفاهیم سورئالیستی در طراحی فضایی و معماری معاصر ایران محدود بوده است. لذا این پژوهش، با تمرکز بر بازخوانی رمان بوف کور و تحلیل بازنمایی زن و فضاهای ذهنی آن، به دنبال پر کردن این خلأ و ارائه چشم‌اندازی نو برای استفاده از اصول سورئالیسم در طراحی معماری است.

در پژوهش‌های پیشین، ارتباط میان مکتب سورئالیسم و ادبیات ایران به‌ویژه در آثار عرفانی و داستانی مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از این مطالعات، تأثیرات سورئالیسم را در آثار نویسندگانی چون صادق هدایت و سهراب سپهری تحلیل کرده‌اند. برای مثال، مقاله‌ای به بررسی مبانی سورئالیسم در داستان «الشحاذ» اثر نجیب محفوظ پرداخته است. همچنین، در مقاله‌ای دیگر، تأثیرپذیری مکتب ادبی سورئالیسم از دستاوردهای مکتب روان‌تحلیل‌گری زیگموند فروید با تأکید بر «ضمیر ناخودآگاه» مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال، در این پژوهش‌ها، ارتباط مستقیم میان سورئالیسم و معماری ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این خلأ پژوهشی نشان‌دهنده‌ی نیاز به بررسی تأثیرات سورئالیسم بر طراحی فضاهای معماری در ایران است. در دهه گذشته، مطالعاتی در این زمینه صورت گرفته است. برای نمونه، مقاله‌ای به بررسی سبک سورئالیسم در معماری پرداخته است که ویژگی‌های ذهنی و روان‌شناختی این سبک را در طراحی فضاهای معماری تحلیل کرده است. این پژوهش‌ها نشان‌دهنده‌ی پتانسیل‌های بالقوه‌ی سورئالیسم در خلق فضاهای معماری نوآورانه و تأثیرگذار هستند. در مجموع، با وجود مطالعات پراکنده، نیاز به پژوهش‌های جامع‌تر و تحلیلی‌تر در زمینه تأثیر

سورئالیسم بر معماری ایران احساس می‌شود. این پژوهش‌ها می‌توانند به درک عمیق‌تری از ارتباط میان هنرهای ادبی و معماری کمک کنند و افق‌های جدیدی را در طراحی فضاهای معماری معاصر ایران بگشایند. در پژوهش‌های پیشین، ارتباط میان مکتب سورئالیسم و ادبیات ایران، به‌ویژه در آثار عرفانی و داستانی، مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از این مطالعات، تأثیرات سورئالیسم را در آثار نویسندگانی چون صادق هدایت و سهراب سپهری تحلیل کرده‌اند. برای مثال، مقاله‌ای به بررسی مبانی سورئالیسم در داستان «الشحاذ» اثر نجیب محفوظ پرداخته است. همچنین، در مقاله‌ای دیگر، تأثیرپذیری مکتب ادبی سورئالیسم از دستاوردهای مکتب روان‌تحلیل‌گری زیگموند فروید با تأکید بر «ضمیر ناخودآگاه» مورد بررسی قرار گرفته است.

با این حال، در این پژوهش‌ها، ارتباط مستقیم میان سورئالیسم و معماری ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این خلأ پژوهشی نشان‌دهنده‌ی نیاز به بررسی تأثیرات سورئالیسم بر طراحی فضاهای معماری در ایران است. در دهه گذشته، مطالعاتی در این زمینه صورت گرفته است. برای نمونه، مقاله‌ای به بررسی سبک سورئالیسم در معماری پرداخته است که ویژگی‌های ذهنی و روان‌شناختی این سبک را در طراحی فضاهای معماری تحلیل کرده است. این پژوهش‌ها نشان‌دهنده‌ی پتانسیل‌های بالقوه‌ی سورئالیسم در خلق فضاهای معماری نوآورانه و تأثیرگذار هستند. در مجموع، با وجود مطالعات پراکنده، نیاز به پژوهش‌های جامع‌تر و تحلیلی‌تر در زمینه‌ی تأثیر سورئالیسم بر معماری ایران احساس می‌شود. این پژوهش‌ها می‌توانند به درک عمیق‌تری از ارتباط میان هنرهای ادبی و معماری کمک کنند و افق‌های جدیدی را در طراحی فضاهای معماری معاصر ایران بگشایند.

۱-۲- مبانی نظری تحقیق

جنبش سورئالیسم که در اوایل قرن بیستم شکل گرفت، با تأکید بر رؤیاهای ناخودآگاه و بازنمایی جهان‌های خیالی، انقلابی در هنر و ادبیات ایجاد کرد (Ernst, 2016; Richardson, 2020). این جنبش نه تنها بر ادبیات و نقاشی بلکه بر معماری نیز تأثیر گذاشت (Picon, 2018). معماری تحت تأثیر سورئالیسم به سمت خلق فضاهایی رفت که فراتر از عملکردگرایی صرف، مفاهیم ذهنی و احساسی را منتقل می‌کنند (Kulkarni, 2022). در معماری، مفاهیمی همچون فضاهای پویا، عدم تقارن و ایجاد تجربه‌های غیرمنتظره از جمله دستاوردهای الهام گرفته از سورئالیسم به شمار می‌روند (Weir, 2022). این مفاهیم طراحان را به خلق محیط‌هایی سوق می‌دهند که نه تنها کاربردی هستند، بلکه روایت‌گر داستان‌ها و احساسات نیز می‌باشند. ادبیات سورئال، از جمله آثاری مانند بوف کور، با خلق جهان‌هایی که واقعیت و خیال را در هم می‌آمیزند، بستری برای بازاندیشی در طراحی فضاهای معماری فراهم می‌آورد (Hafez, 2024). پس از فراز و نشیب‌های تاریخی، گرایشی پرشور در بیان حالت‌های احساسی انتزاعی شکل گرفت که ماهیت آن برگرفته از مکتب فراواقع‌گرایی بود؛ مکتبی که از مهم‌ترین جریان‌های هنری در سال‌های پیش و پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌رود (Breton, 2005). سورئالیسم، به گفته مارسل لکن، نوید تازه‌ای است که با گریزی از حقایق پوچ و ناچیز زندگی انسان، او را به سوی ناشناخته‌ها هدایت می‌کند (Lecomte, 2019).

تاریخ تولد رسمی سورئالیسم معمولاً روزی دانسته می‌شود که آندره برتون نخستین بیانیه سورئالیست‌ها را در سال ۱۹۲۴ در پاریس منتشر کرد؛ اگرچه برخی از آثار ادبی برتون که می‌توان آن‌ها را سورئالیستی خواند، پیش از این تاریخ نوشته شده‌اند. در واقع، علی‌رغم اینکه برتون و گروهش پیرو دادائیسم بودند، بسیاری از آثار پیشین آنان را می‌توان طلوع‌دهنده مکتب سورئالیسم دانست (سیرلوت، ۱۳۷۸). برتون در بیانیه سال ۱۹۲۴ خود چنین نوشت: «سورئالیسم، خودکاری محض نفسانی است که به کمک آن به بیان فرآیند راستین اندیشه، به صورت گفتاری یا نوشتاری یا هر شیوه دیگر، همت گماشته می‌شود؛ املاء اندیشه آزاد فارغ از هرگونه کنترلی که عقل اعمال می‌کند و یا مستقل از هر دل‌مشغولی جمال‌شناختی یا اخلاقی.» (رید، ۱۳۶۴). جنبش سورئالیسم که به عنوان یک حرکت ادبی آغاز شد، به شدت به شخصیت برتون که سریعاً رهبری ایدئولوژیک آن را عهده‌دار گردید متکی بود. وی دانشجوی روان‌پزشکی بود و دوران خدمتش را در بیمارستان نظامی نانت گذرانده و با بیماران روانی کار کرده بود. بنابراین، با روان‌کاوی و روش درمانی آن آشنایی داشت

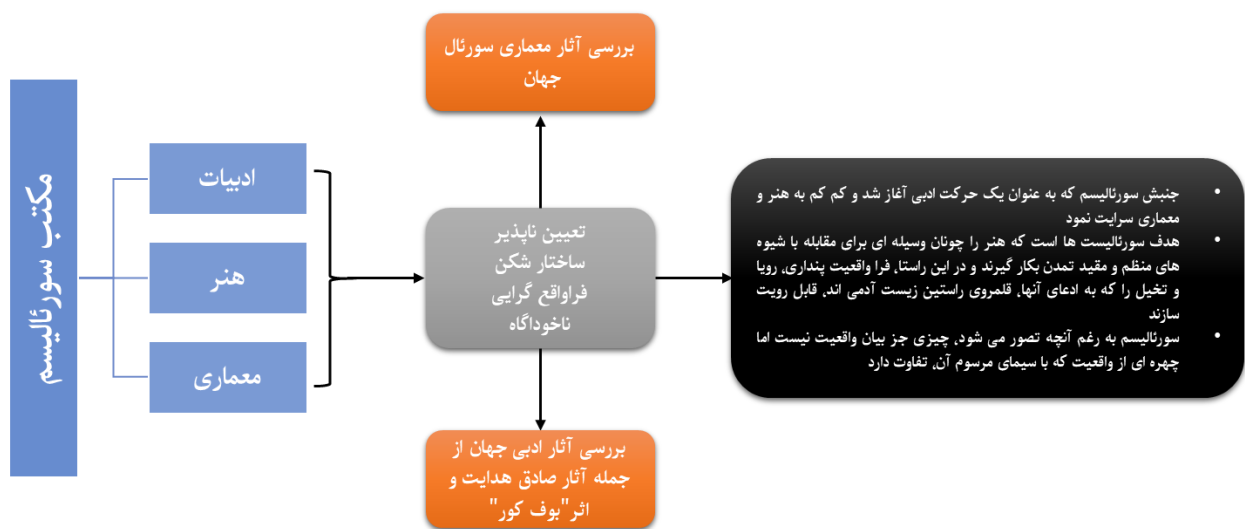
و با کارهای زیگموند فروید در زمینه روان‌شناسی تحلیلی و تعبیر رؤیا بر مبنای تداعی آزاد تصورات، مأنوس بود و این تجربه‌ها شالوده آثار ادبی او را در حوزه سورئالیسم فراهم کرد. برتون در بیانیه خود چنین گفت: (در فرهنگ فلسفی، سورئالیسم بر شالوده اعتقاد به وجود شکل‌هایی از تداعی ناشناخته، قدرت یکه‌تاز رؤیاپردازی، فعالیت بی‌غرضانه تفکر در واقعیتی فراتر استوار است. سورئالیسم به نابودی دائمی تمام دیگر مکانیسم‌های روانی و نشستن خودش به جای آن‌ها در حل مسائل اصلی زندگی منجر می‌شود)، (آرناسن، ۱۳۶۷). در این تعریف برتون بر نقش رؤیا و ضمیر ناخودآگاه که از نظرات فروید استخراج کرده بود، اشاره کرده است. سورئالیسم یا سیری مکاشفه‌گونه در ناخودآگاه روحی و روانی، تلاشی است در راستای بیان کلامی، نوشتاری و یا تصویری یک ذهنیت پویا و روشی است برای ابراز آزادانه عملکرد تفکر و اندیشه. این جریان هنری در اساس متکی است بر حقیقتی عالی‌تر از واقعیت که به مدد اشکال موهومی از تداعی معانی، قدرت مطلقه عالم رؤیا و یا نوعی بازی پوچ و بی‌انگیزه ذهن به ظهور می‌رسد. این سیر آفاق ذهنی، سامان روانی انسان را در هم کوبیده تا به‌گونه‌ای دیگر، به حل مشکلات عمده زندگی نایل آید (لوسی اسمیت، ۱۳۸۰). به‌طور کلی هدف سورئالیست‌ها است که هنر را چونان وسیله‌ای برای مقابله با شیوه‌های منظم و مقید تمدن بکار گیرند و در این راستا، فرا واقعیت‌پنداری، رؤیا و تخیل را که به ادعای آن‌ها، قلمروی راستین زیست آدمی‌اند، قابل رؤیت سازند. به تعبیر برخی، سورئالیسم‌ها پیش از آنکه روشی نو در زیبایی‌شناسی باشد، روشی نو در اندیشیدن بوده است اما اندیشیدنی بر مبنای دگرگون ساختن جهان و نه شرح و توصیف آن و این خود انقلابی در هنر قرن بیستم است که علاوه بر افکار زیباشناختی هگل، از فلسفه علمی مارکس و دیالکتیک مارکسیستی نیز متأثر شده است. خلاصه اینکه سورئالیسم به‌عنوان یک انگاره زیبایی‌شناختی هنری، با اثرپذیری از افکار فلسفی مذکور، کوشید تا تحلیل ذهن آدمی که جنبه ابتکاری و خلاقانه دارد را واقعیت عینی بخشد تا همان‌گونه که از واقعیت تأثیر می‌پذیرد، بر آن اثر گذارد و آن را تغییر دهد و این در حالی است که انگاره زیبایی‌شناسی طبیعی تا پیش از عصر مدرنیسم، صرفاً در پی توصیف جهان بود و اثرپذیری محض از دنیای واقع عینی داشت. البته فرا واقعیتی که محور سورئالیسم است به هیچ وجه، رنگ و بوی ایدئالیستی ندارد و بیان‌کننده تمایلی عمیق برای ژرف کردن بنیان واقعیت و پدید آوردن نوعی آگاهی از جهان محسوس است و ابهام ظاهری که در واژه سورئالیسم نهفته است نباید موجب این توهم شود که این جنبش اساس و بنیانی روحانی و ماورائی دارد (رید، ۱۳۵۲؛ به نقل از آندره برتون).

بدین ترتیب می‌توان گفت سورئالیسم، برخلاف آنچه معمولاً تصور می‌شود، چیزی جز بیان واقعیت نیست، بلکه چهره‌ای از واقعیت است که با تصویر مرسوم و شناخته‌شده آن تفاوت دارد. سورئالیسم، چهره بی‌نقاب واقعیت است و به همین سبب، با بهره‌گیری از عصیان، تخیل خلاقانه و نمادگرایی، ذهن ناخودآگاه انسان را از خواب و رؤیا به سوی واقعیت ژرف‌تر سوق می‌دهد. هنر سورئالیستی رسالت خود را در این می‌بیند که علاوه بر توجه دادن به واقعیت‌های زیبا و دل‌فریب، مخاطب را نسبت به پوچی و توخالی بودن این زیبایی‌ها آگاه ساخته و به ترس وادارد. همان‌طور که والتر بنیامین گفته است، هدف سورئالیسم درک و بیداری نیروهای سرخوش انقلاب در این مسیر است (بنیامین، ۱۳۶۶).

در این راستا، سورئالیسم الگوهای قدیمی و مرسوم زندگی را رد می‌کند تا علم، فلسفه، تکنولوژی و هنر را به مدد عشق پیوند زده و الگویی نوین برای زندگی بیافریند. به‌ویژه سورئالیسم با زیر پا گذاشتن ارزش‌های جامعه بورژوازی و آشکار ساختن توخالی بودن آن‌ها، می‌کوشد به حیات آن پایان دهد و جنگ، فساد جنسی، فقر، محرومیت طبقات پایین جامعه و اعتیاد را از ریشه بخشکاند. به همین دلیل، جامعه سرمایه‌داری همواره تلاش کرده است تا سورئالیسم را به‌عنوان مکتبی هرچ‌ومرچ‌طلب و بی‌ارزش معرفی کرده و این انقلاب هنری و فلسفی را ناکام بگذارد؛ اما سورئالیسم بر پایه عشقی که در نظام ارزشی بورژوازی منشأ همه پلیدی‌ها قلمداد می‌شود، معاشقه‌ای بی‌همتا گستراند که بر محور آزادی انسان به مقابله با بدی‌ها و فساد پرداخت و در تمامی ابعاد هنر نفوذ کرد؛ چنان‌که هرگز در بند قواعد ایدئولوژیک، سیاسی و حتی زیبایی‌شناسی محض خود اسیر نشد؛ بنابراین، مهم‌ترین ویژگی سورئالیسم در تخیل ظاهر می‌شود، البته تا آنجا که قابلیت عینی شدن داشته باشد. سورئالیسم از ذهنیت‌گرایی محض و انتزاع‌گرایی فاصله می‌گیرد و می‌توان آن را هنر واقع‌گرایی

تخیل نامید؛ چرا که تخیلی را می‌آفریند که پیش‌تر وجود نداشته، اما در عین حال به آن واقعیت می‌بخشد (آل احمد، ۱۳۷۷). در واقع، عنصر تصادف و بخت در شکل‌گیری یک اثر هنری یا حتی یک هنرمند، شالوده مطالعات سوررئالیست‌ها بود و آن‌ها کوشیدند با نمایش واقعیت بالقوه، به جستجو و کشف ناشناخته‌ها بپردازند. از این رو، از نمایش تکراری و تقلیدی واقعیت پرهیز کردند و واقعیت عینی را در جهت واقعیت برتر دگرگون ساختند؛ بدین ترتیب، برای ایجاد واقعیت نو، در برابر واقعیت کهنه شورش کردند. به این صورت، هنرمند سوررئالیست با تغذیه از ادراکات دنیای عینی و ورود عواطف به آن، به‌واسطه تخیل، اندیشه را دگرگون ساخته و در نتیجه واقعیتی نو خلق می‌کند.

خوان میرو^۲ یکی دیگر از پیروان اتوماتیسم است که در آمریکا نفوذ خاصی یافت. نقاشی‌های میرو که کارهای خودجوشی به نظر می‌آیند و برخی از آن‌ها گویی در زمان کوتاه کشیده شده‌اند تجلی‌بخش همان (خودکاری روانی ناب) که برتون در پیاش بود هستند، سبک هنری او سرشار از نشانه و رمز است و در آثارش رنگ‌های اصلی و فرعی خالص و زنده در کنار بعضی رنگ‌های خنثی به چشم می‌خورد.



نمودار ۱: مدل نظری تحقیق (نگارندگان، ۱۴۰۳)

ساختارشکنی، نخستین و مهم‌ترین رویکرد انتقادی به فلسفه ساختارگرا و از این‌رو طلیعه اندیشه‌های پساساختارگرا دانسته می‌شود (Culler, 2017). پیش از این، ساختارگرایان اصرار داشتند معرفت بشری را تنها در چارچوب زبان و ساختارهای زبانی توضیح دهند؛ به عبارت دیگر، شناخت نه از طریق ذهن بلکه به‌واسطه نشانه‌ها و دلالت‌های زبانی تحقق می‌یابد (Saussure, 2011). دریدا در توضیح دیکانستراکشن می‌گوید: «اولین دغدغه دیکانستراکشن نظام است؛ نه به معنای تخریب آن، بلکه گشایش دادن به امکانات سازمندی و گردهم‌آیی» (Derrida, 2006). این رویکرد، امکان نقد ساختارهای تثبیت‌شده و بازاندیشی در مفاهیم بنیادین زبان، معنا و قدرت را فراهم می‌آورد و به ویژه در تحلیل متون و فضاهای معماری می‌تواند کاربردی باشد. دریدا معتقد است بن‌فکنی و ساخت‌زدایی را می‌توان گونه‌ای استعاره «معمارانه» به شمار آورد؛ بنابراین وقتی می‌گوییم بن‌فکنی «مراد تخریب و ویرانسازی یک ساختمان نیست بلکه باید آن را به‌گونه‌ای پرسش درباره‌ی الگو و طرح معمارانه به شمار آورد» (ضمیران، ۱۳۷۹). در نگاه ساختارگرایان معنا بر پایه روابط

۱- خوان میرو فرا (به اسپانیایی: Joan Miró) (۲۰ آوریل ۱۸۹۳ - ۲۵ دسامبر ۱۹۸۳) نقاش و مجسمه‌ساز و سفالگر اسپانیایی بود. کارهای او بیشتر در سبک سوررئالیسم دانسته می‌شود. او با کنار گذاشتن آنچه که او هنر بورژوازی می‌دانست به خلق کارهایی آستره پرداخت. مجسمه‌ها و تابلوهای او در بسیاری از شهرها و موزه‌های جهان نصب شده و هواخواهان بسیاری دارد. این آثار از چند صد هزار دلار تا چند میلیون دلار قیمت‌گذاری می‌شود.

ساختاری خاصی شکل می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها نظام مفاهیم دوگانی (تقابل‌های دوتایی) است مثل طبیعت فرهنگ، زن مرد، خیر شر و... آن‌ها می‌پندارند که در هر نظام زبانی و به تبع آن فرهنگی و اجتماعی، می‌توان این دو قطب ذاتی را آشکار نمود و بر این اساس، نظام را عیناً تشریح کرد. به علاوه، در تعریف دوگانه‌ها معمولاً یکی از دو وجه برتری می‌یابد و «مرکز» محسوب می‌شود: «در یک تقابل فلسفی کلاسیک، نه با همزیستی یک دورویی بلکه با یک پایگان قهرآمیز سروکار داریم. در این تقابل، یکی از دو جز (به لحاظ ارزشی، منطقی و...) بر دیگری حاکم بوده و در موضع بالاتر می‌ایستد. شالوده شکنی این تقابل بیش از همه به معنی وارونه کردن آن پایگان در یک وهله مفروض است» (بزرگی، ۱۳۸۱).

۳- روش‌شناسی

در این مقاله روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و با هدف واکاوی ادبیات داستانی سورئال و تأثیر آن بر فضای معماری و طراحی معماری از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های معرفتی مکتب سورئالیسم بر تکیه بر داستان بوف کور صادق هدایت صورت پذیرفته است، روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است، همچنین تلاش می‌گردد به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه می‌توان از مؤلفه‌های سورئالیستی بوف کور در زبان معماری بهره گرفت یا خیر؟ در این پژوهش سعی می‌گردد تا ضمن بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های معرفتی مکتب سورئال در ادبیات، جنبه‌های مختلف آن بررسی و در معماری مورد استفاده قرار گیرد.

۴- یافته‌ها

۴-۱- تعلیق سورئالیسم و روایتگری در معماری

مرز میان واقعیت و خیال به نحوه تحریک افکار فضایی ذهنی و خودآگاه و ناخودآگاه کاربر بستگی دارد. از دیدگاه معماران، معماری فعالیت ذهنی است که گویی روایتی را شرح می‌دهد و تماشاگری فرضی را تحت تأثیر قرار داده و در درون فضا هدایت و ایجاد تجربه می‌کند. روایت چه بر پایه حرکت‌های متوالی در داستان و توالی دسترسی به فضاها در مرکز تخیل خلاقانه قرار دارد (زینلیان و کلانترزاده، ۱۳۹۴). داستان‌ها و روایت‌ها می‌توانند به صورت مفهومی در ذهن انسان تجسم شود. فضای معماری دیگر صرفاً ظرفی جذاب برای افراد و اشیا نیست؛ بلکه از توانایی حس کردن، پاسخگویی، تجربه تعامل برخوردار است تمامی فرآیندهای ذهنی در حالت‌های خودآگاه پردازش نمی‌شوند بلکه معمار ابتدا می‌بایست ناباوری را به حالت تعلیق درآورد تا مسیر ایده‌آلی را تصور کند. از منظر ماهیت آفرینش، طراحی یک پدیده هنری است که در بستر خیال روی می‌دهد. ماهیت طراحی بیش از آن که علم و منطق را در خود می‌پذیرد، پذیرای خیال است. طراحی رؤیاها، آرمان‌ها، تخیلات و ذهنیات طراح در بستر خیال متولد می‌شود و نقش آفرینی می‌کند. اثری که در این بستر شکل می‌گیرد، مخاطب را نیز به دنیای خیال می‌کشاند (امینی و همکاران، ۱۳۹۸). از دیدگاه روایتگری، داستان‌گویی یکی از راه‌های نشانه‌گذاری است و به عنوان یک رویکرد در طراحی بشمار می‌آید.

روایتگری فرایند نظم و شکل بخشیدن به فضا است. رویدادها برای تحقق یافتن به فضا نیاز دارند، فضا را اشغال و تبدیل به مکان می‌کنند و فرایند به هم پیوستن رویدادهای مختلف به یکدیگر است. روایت رویکردی در طراحی است که همچون یک متن خوانده می‌شود راهی است که از طریق آن تعامل مخاطب و بنا را ارائه می‌دهند. (آئینی و همکاران، ۱۴۰۰) معماری اغلب در ارتباط با یک رؤیا، آرمان‌شهر و یا یک تخیل شکل می‌گیرد و درباره رویدادی است که در فضا رخ می‌دهد؛ خلق نمی‌شود مگر آنکه مفهومی زاده شود و برای زایش مفهوم، فرایند خلق یک اثر هنری باید طی شود که در آن اندیشه، خیال و تمامی آنچه در دنیای فیزیک و متافیزیک نهفته است سهم بسزایی دارد (مختاباد امرئی و پناهی، ۱۳۸۶).

به صورت مشابه بخش مهمی از رویدادها در جریان یک فیلم، معمولاً در فضای معماری در ترکیب متن با تصویر، تبدیل آن‌ها به

حجم قابل لمس و در نهایت گذر از فضای محسوس چهاربعدی امواج مغزی برای ایجاد یک محیط ذهنی ساخته شده است. معماری (زمانمند) به فضای متافیزیکی روح (ده بعدی) به وقوع می پیوندد عبارت است از دست کاری فضا، مواد و نور و سایه برای ایجاد یک و کیفیت آرایش محیط با طراحی فضایی برای تجسم تخیلی که برخورد به یادماندنی از طریق تأثیر بر حواس انسان. فضای معماری محدودیت ندارد و بصری است، در تشدید حس مورد نظر راوی سینما با دست کاری عناصر نامرئی معماری و ایجاد توهمات پرسپکتیوی یا کارگردان اهمیت فراوان دارد (زینلیان و کلانترزاده، ۱۳۹۴). یک قضاوت مردم را در ساختن محیط به حالت تعلیق در می آورد و افکار اثر داستانی ما را مجبور می کند با کمال میل، ناباوری خود را نسبت به مردم را به باور فضای وسیع تر برمی انگیزد. واقعیت آنچه ارائه می شود به حالت تعلیق و نیمه باوری در آوریم. نیمه باوری، باور ضعیف و غیرواقعی است و به سرعت محو می شود.

جدول ۱: رمان ها و فیلم های مشهور در رابطه با رویکرد سورئالیسم

نام اثر	کارگردان	ویژگی اثر
آلیس در سرزمین عجایب	چارلز لاتویچ دادسون	ایجاد وهم و خیال، خلق جهان غیرواقعی، فرا زمان و فرا مکان، فضای رمزآگین، کشف باورکردنی از درون چیزهای باورنکردنی، حرکت دایره ای و بازگشت به نقطه اول، توالی رویدادهای منطقی ولی در ظاهر بی منطق، ابهام در زمان، چندمعنایی (ذبیح نیا و فروزان، ۱۳۹۵)
پیکر فرهاد	عباس معروفی	جهان داستانی تودرتو و تداخل سطوح روایی، مفاهیم چندبعدی، عدم تشخیص واقعیت از خیال، بی ثباتی و عدم قطعیت، گذار از فضایی به فضایی نو، محو کردن مرز بین دنیای واقعی و رؤیا، تلفیق رئالیست و پسامدرن، جهان های چندلایه (پورمرادی و صادقی شهیر، ۱۳۹۷)
کافکا در کرانه	هاروکی موراکامی	روایت رؤیاگونه، ایجاد معمای متن، آمیختگی حقیقت و دروغ، مفهوم انتزاعی، خلق جهانی رؤیایی، ویژگی های روایتی پست مدرن (دادخواه تهرانی و ناظرزاده کرمانی، ۱۳۹۴)
اورلیا	ژرار دونروال	نگارش سورئال، حذف زمان خطی، خلق سرزمین رؤیایی و اسرارآمیز، تلفیق گذشته و حال، خلق داستان در دنیای خاطرات، بازسازی گذشته در امروز (حکیم، ۱۳۹۲)
مسخ	فرانتس کافکا	خلق دنیای داستانی تار و خاکستری، استفاده از احساسات انسانی مانند غم، گناه و ... و کاتارسیس ناشی از آن، از بین بردن مرز خیال و واقعیت، خلق فضای سورئال (احمدیان و دهقان، ۱۳۸۸)

۴-۲- شاخص های سورئالیسم در معماری

بر اساس مطالعات صورت پذیرفته، پژوهش هایی در حوزه ایجاد سورئالیسم در کاربران راهکارهای مختلفی ارائه نموده اند که تعامل با زمینه (غضنفریان پور و همکاران، ۱۴۰۰) و طراحی فیزیکی محیط باهدف ارتقاء، ارتباط بین فردی، استفاده از فناوری برای درک بهتر از ساختار و محتوای سناریو، ایجاد غوطه وری، تلقین احساس حضور کاربر در یک دنیای غیرواقعی و جداسازی کاربر از واقعیت با استفاده از المان های فضایی معنادار (Greenberg, 2014). رویکرد مشارکتی کاربر به عنوان شخصیت اصلی روایت و شخصی سازی سناریو، آشنابنداری و استفاده از نام های گویا و مکان های آشنا جهت خاطره انگیزی در کاربر، شکاف های روایی و به کارگیری روابط علی در سناریو و ایجاد داستان های داخلی جهت معنا سازی برای کاربر، استفاده از المان های تاریخی و مربوط به گذشته برای ایجاد احساس امکان پذیری هر اتفاق و رخدادی در طول زمان و توقف عدم اعتماد (Purret, 2014). ایجاد ناهماهنگی در

مقیاس مدل‌سازی در محیط‌های آشنا و معمولی، تقویت ماهیت انتزاعی، توالی و پیوستگی در فضا‌سازی و ایجاد حلقه نامحدود روایتی (Angeletti, 2020) قرارگیری اشیاء در ابعاد غیر واقعی و غیر از مکان معمول جهت تقویت خاطره‌انگیزی مخاطبان (گیل امیرود و دیگران، ۱۳۹۸).

جدول ۲: تعریف شاخص و زیرشاخص‌های رویکرد سورئالیسم (گردآوری نگارندگان)

معیار	تعریف	شاخص	تعریف
تعامل با زمینه	طراحی فیزیکی محیط برای ارتقای درجه بالایی از ارتباط فردی	طراحی فیزیکی فرم و احجام بافت رنگ موسیقی	استفاده از فرم، بافت، رنگ و موسیقی مرتبط با سناریو فضایی جهت ارتباط بهتر با کاربر و نزدیک کردن کاربر به سناریو مسیر
رویکرد مشارکتی کاربر	قرارگیری و ایجاد ارتباط در زمان و مکان روایت	تجربه‌گرایی حافظه و خاطرات آشناپنداری	کاربر با تصور کردن خود به‌عنوان شخصیت‌های داستان، سناریوها را شخصی‌سازی می‌کند. تبدیل شدن به شخصیت و خلق داستان‌های درونی به‌صورت فردی. استفاده از نام‌های گویا و مکان‌های آشنا در سناریوی فضا برای ایجاد خاطره در کاربر.
فن‌آوری	درک بهتر از ساختار و محتوای سناریو با استفاده از فن‌آوری	صوتی تصویری شبیه‌سازی	استفاده از امکانات صوتی، تصویری و جلوه‌های ویژه.
غوطه‌وری	ایجاد احساس شناوری و سیالیت در فضا	شکاف روایتی معما سازی روابط علی داستان داخلی	قرار دادن پرسش‌های نمادین در طول مسیر به‌منظور پاسخ‌دهی توسط کاربر و تمایل به ادامه مسیر و روایت‌های فضایی که کاربر خود را جزئی از یک داستان تصور کند.
مقیاس	کنار هم قرار گرفتن مدل‌هایی با مقیاس متفاوت در برابر پس‌زمینه‌های معمولی و در مقیاس کامل	ناهماهنگی ابعادی اشیای غیرواقعی در زمینه معمولی المان‌های تاریخ گذشته ابعاد غیرواقعی	در مواردی که اشیاء در ابعادی غیرواقعی به نمایش درآمده‌اند، توجه به آن و به خاطر آوردنشان توسط مخاطبان قوی‌تر بوده است. از سوی دیگر قرار گرفتن اشیاء در جایی غیر از مکان معمول نیز، توجه به آن را بیشتر می‌کند و ایجاد احساس امکان‌پذیری هر اتفاق و رخدادی در طول زمان و توقف عدم اعتماد.
توالی و پیوستگی	ایجاد حلقه نامحدود در مجموعه باعث ایجاد روایتی می‌شود که هرگز بسته نمی‌شود	حلقه نامحدود روایتی	هر توالی اطمینان‌بخش بینندگان را در مورد آنچه به تازگی دیده و بدیهی انگاشته بودند، تضعیف می‌کند.
ایجاد توهم	ایجاد ابهام در فضا	مرز میان خیال و واقعیت ایجاد جهان موازی ایجاد گذرگاه و تونل معماری سورئال	ایجاد احساس جهان موازی و پر از هرج‌ومرج و استفاده از مفهوم‌های انتزاعی برای ایجاد احساس توهم و از بین بردن مرزهای خودآگاه و ناخودآگاه ذهنی.

گذرگاه دو جهان واقعی و خیالی (S,tachura, 2018)، ایجاد ابهام در فضا با استفاده از نورپردازی و خلق فضاهای شفاف و غیرشفاف و استفاده از مفهوم‌های انتزاعی و معماری فرا واقع‌گرا به جهت ایجاد دنیای فرای واقعیت از اهم مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سورئالیسم در

طراحی فضا است. بر اساس مبانی نظری بررسی شده سورئالیسم در پژوهش از منظرهای ادبیات، نمایشنامه‌نویسی و معماری، مؤلفه‌های مؤثر بر ایجاد احساس سورئالیسم در کاربر در فضاهای معماری در جدول فوق گردآوری شده است.

۳-۴- بررسی نقش زن در اثر بوف کور و تأثیر آن بر معماری

مستندات مکتوب، مدل مفهومی پژوهش بر اساس شاخص‌های مؤثر بر سورئالیسم به دست آمده است. علیرغم اینکه سورئالیسم در ادبیات نمایشی، سینما و تئاتر نمونه‌های در خور توجهی دارد در زمینه معماری، تحقیقات نظری و نمونه‌های کاربردی محدودی وجود دارد. لذا ویژگی‌های نمونه‌های موردی مفاهیمی از قبیل ادغام فضای مجازی و واقعی و ایجاد توهّمات نوری در موزه هنرهای معاصر زاگرب؛ خلق فضاهای مرموز و ضد گرانثی در مهمان‌خانه مکان دیگر گویلین؛ ایجاد جلوه‌های فرازمینی و فراواقعی در موزه سیسمیک هیوستون؛ روایت فضایی و سفر احساسی در موزه یهود برلین؛ محیط‌های غوطه‌ور و ایجاد احساس شناوری و استفاده از خطوط منحنی پویا در موزه نجوم شانگهای و استفاده از اشکال ماورائی و از بین بردن مرز میان نور و سایه در موزه یشم هوآنگ پو را محقق کرده‌اند که این ویژگی‌ها با مؤلفه‌های سورئالیسم در ادبیات نمایشی مشابه بوده و مبتنی بر روش امتیازدهی ذکر شده و با استفاده از طیف لیکرت اولویت‌بندی شده‌اند.

با توجه به اولویت صورت پذیرفته در جداول فوق شاخص‌های طراحی مؤلفه‌های شماره فیزیکی، فرم و احجام، بافت، رنگ، مرز میان خیال و واقعیت و ایجاد گذرگاه و تونل جزء تأثیرگذارترین مؤلفه‌های مؤثر بر ایجاد احساس تعلیق در کاربر است. ایجاد جهان موازی شاخصی است که کمتر مورد توجه بوده است. در این بین تجربه‌گرایی، موسیقی و حلقه نامحدود روایتی، داستان داخلی، صوتی، تصویری و اشیای غیرواقعی در زمینه معمولی، معماسازی و ابعاد غیرواقعی، شبیه‌سازی و ناهماهنگی ابعادی، حافظه و خاطرات، آشناپنداری و معماری فراواقع‌گرا، المان‌های تاریخی در صد، شکاف روایتی و روابط علی از سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سورئالیسم کاربر در یک فضای داخلی هستند. از این رو به نظر می‌رسد مؤلفه‌هایی که به صورت فیزیکی و مشهود در طراحی استفاده می‌گردد نظیر فرم، بافت، رنگ، ایجاد گذرگاه و تونل به علت تأثیر بصری و درک فیزیکی آن در کاربران تأثیر بسزایی دارد و می‌توان با استفاده از فرم‌های منحنی پیوسته و پرهیز از خطوط شکسته احساس پیوستگی مسیر و میل به حرکت را برای ایجاد یک حلقه نامحدود روایتی را در کاربر به وجود آورد. با استفاده از مصالح و بافت‌هایی نظیر شیشه، آینه، بتن شفاف و ... با ایجاد پدیده انعکاس و وارونگی احساس تعلیق را در کاربر ایجاد نمود. استفاده از رنگ‌های متضاد مانند سیاه و سفید القاء کننده احساس تاریکی و روشنایی، هستی و نیستی بوده و این تضاد می‌تواند با ایجاد احساس سقوط و تعالی کاربر را به تفکر وادارد. استفاده از تونل و دالان‌ها در طول مسیر می‌تواند احساس گذر از جهان واقعی و ورودی به دنیای خیال و رؤیا را تداعی نماید. همچنین استفاده از المان‌های آشنا و موسیقی‌های متناسب با داستان داخلی فضا، به جهت تعامل کاربر با روایت درون فضایی نقش شگرفی را ایفا می‌نماید همچنین اشیاء ناملموس و غیرواقعی با اندازه‌های نامتناسب به علت تداعی سورئال فضا احساس وجود دنیای رؤیا و خیال را تقویت می‌نماید.

۳-۴-۱- تحلیل فضاهای بوف کور

رمان بوف کور، با روایت پیچیده و مبهم خود، فضاهایی را به تصویر می‌کشد که تأثیری عمیق بر ذهن خواننده می‌گذارند. این فضاها اغلب میان واقعیت و خیال در نوسان هستند و حسی از بی‌زمانی، انزوا و رازآلودگی را منتقل می‌کنند. چند نمونه از این فضاها عبارت‌اند از:

۱- **خانه راوی:** خانه‌ای که در آن شخصیت اصلی زندگی می‌کند، فضایی تاریک و پر از حس انزواست. دیوارهای بسته و فضای محدود این خانه نمادی از ذهن بسته و درگیر شخصیت است. این نوع فضا می‌تواند الهام‌بخش طراحی فضاهای معماری باشد که احساس انزوا یا فشار روانی را به شکلی هنری القا می‌کنند.

۲- **خیابان تاریک:** خیابانی که راوی بارها در آن قدم می‌زند، پر از ابهام و سایه است. این فضا نمایانگر حرکت در یک جهان ناشناخته و پر از ترس است. طراحی چنین فضاهایی در معماری می‌تواند حس کشف یا ورود به یک جهان دیگر را به مخاطب منتقل کند.

۳- **فضاهای رؤیایی و خیالی:** صحنه‌هایی که در آن راوی به باغ یا مکان‌هایی خیالی وارد می‌شود، ترکیبی از زیبایی و ترس را به تصویر می‌کشد. این نوع فضاها می‌توانند در طراحی معماری به‌عنوان الهامی برای ترکیب عناصر طبیعی و غیرمنتظره مورد استفاده قرار گیرند.

۴-۴- بازنمایی زن در ادبیات سورئال

بازنمایی زن در ادبیات سورئال به‌عنوان یکی از موضوعات مهم و پیچیده مورد توجه منتقدان و پژوهشگران قرار گرفته است. ادبیات سورئال که بر بازنمایی ناخودآگاه، رؤیاها و تخیل آزاد تأکید دارد، زن را نه صرفاً یک شخصیت بلکه به مثابه نمادی چندلایه از تمایلات، ترس‌ها و آرزوهای ناخودآگاه جامعه معرفی می‌کند (Breton, 1924; Foster, 2002). زنان در این آثار اغلب به شکل موجوداتی فراواقعی، مرموز و نمادین ظاهر می‌شوند که مرزهای واقعیت و خیال را به چالش می‌کشند و در بسیاری موارد نقشی دوگانه میان تسلط و سرکوب ایفا می‌کنند (Nesbit, 2000; Krauss, 1993). این بازنمایی‌ها در برخی موارد به بازتولید کلیشه‌های جنسیتی منجر می‌شوند، اما در عین حال زمینه نقد این کلیشه‌ها و بازسازی مفاهیم هویتی را فراهم می‌آورند. در ادبیات سورئال، زن به‌عنوان «دیگری» در فضای ناخودآگاه ظاهر می‌شود و با این حضور، دوگانگی‌های جنسیتی، تسلط و مقاومت در برابر ساختارهای قدرت به نمایش گذاشته می‌شود (James, 1997). برخی پژوهش‌ها همچنین بر نقش زن به‌عنوان نیروی خلاق، الهام‌بخش و نجات‌بخش در متون سورئال تأکید دارند که این نگاه، زن را از حالت صرفاً موضوعی خارج کرده و به عاملی فعال در فرآیند خلق معنا تبدیل می‌کند (Pollock, 1999). در نمونه‌های کلاسیک ادبیات سورئال فارسی، از جمله رمان بوف کور اثر صادق هدایت، بازنمایی زن پیچیدگی‌های روانی و اجتماعی عمیقی دارد که در قالب فضاهای ذهنی و نمادهای سورئالیستی تجلی یافته است. در این اثر، شخصیت‌های زن نمایانگر تعارضات درونی و کشمکش‌های هویتی هستند و به‌عنوان نمادهایی از جبر و آزادی، تسلط و مقاومت در روایت داستان حضور دارند (Shafiei, 2014). بازنمایی زن در بوف کور فراتر از تصویر کلاسیک زن در ادبیات ایرانی است و با زبان نمادین و ساختار شکنانه سورئال، به کاوش در ناخودآگاه و ابعاد پنهان ذهن انسان می‌پردازد. بدین ترتیب، بازنمایی زن در ادبیات سورئال هم‌زمان حامل بار فرهنگی و روان‌شناختی است و به نقد ساختارهای اجتماعی و جنسیتی غالب کمک می‌کند و نیز زمینه‌ساز بازتعریف هویت زنانه در ادبیات و هنر معاصر می‌شود.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

ادبیات سورئال با بهره‌گیری از تصاویر غیرمنطقی، تداعی آزاد و فراتر از عقلانیت، دنیای ذهنی و ناخودآگاه انسان را بازنمایی می‌کند (Ernst, 2016; Richardson, 2020). این ویژگی‌ها، هنگامی که در حوزه معماری مورد تحلیل قرار می‌گیرند، امکان خلق فضاهایی را فراهم می‌آورند که فراتر از محدودیت‌های منطقی و عملکردگرایی صرف هستند و به تجربه‌های روان‌شناختی و حسی مخاطب می‌پردازند (Picon, 2018). تمرکز این پژوهش بر رمان «بوف کور» صادق هدایت به‌عنوان نمونه‌ای شاخص از ادبیات سورئال فارسی است. هدایت با خلق فضاهای رمزآلود، پیچیده و وهم‌انگیز، امکان ترجمه مفاهیم ذهنی و ناخودآگاه به فضاهای معماری را فراهم می‌آورد. بازنمایی زن در این اثر، به‌عنوان عنصری کلیدی و چندلایه، نه تنها شخصیت داستانی بلکه نمادی از تجربه‌های روان‌شناختی و فرهنگی است که می‌تواند در طراحی فضاهای معماری الهام‌بخش باشد (Hafez, 2024). برای تحلیل تأثیرات ادبیات سورئال بر معماری، چارچوب نظری پدیدارشناسی فضا و نظریات باشلار (Bachelard, 1994)، به کار گرفته شد. از دیدگاه پدیدارشناسی، فضا تنها یک کالبد فیزیکی نیست بلکه تجربه زیسته و ادراکی انسان را بازتاب می‌دهد؛ بنابراین، فضاهای خلق شده در «بوف کور» می‌توانند به‌عنوان الگویی برای طراحی فضاهای معماری با تأکید بر تجربه‌های ذهنی و حسی مخاطب مورد استفاده قرار گیرند. معماری متأثر از سورئالیسم،

با به‌کارگیری فرم‌های غیرمتعارف، فضاهای پویا، عدم تقارن و عناصر طراحی غیرمنتظره، تلاش می‌کند علاوه بر ارزش‌های زیبایی‌شناختی، حس شگفتی، پیچیدگی و ناآشنایی را در مخاطب ایجاد کند (Kulkarni, 2022; Weir, 2022). ترکیب این رویکرد با بازنمایی زن، امکان خلق فضاهایی چندلایه و تأمل‌برانگیز را فراهم می‌آورد که فراتر از عملکرد صرف، به روان و تجربه‌های انسانی می‌پردازند.

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که ادبیات سورئال، به‌ویژه رمان «بوف کور»، می‌تواند منبع الهام مهمی برای معماری معاصر باشد. تحلیل عناصر سورئالیستی و بازنمایی زن در این اثر، چشم‌اندازی نو برای طراحی فضاهایی ارائه می‌دهد که هم از منظر زیبایی‌شناسی جذاب و هم از نظر تجربه روان‌شناختی و ذهنی معنا دار هستند. این پژوهش زمینه‌ای فراهم می‌کند تا معماران با بازخوانی مفاهیم ادبی، فضاهایی خلق کنند که تجربه انسانی و ناخودآگاه ذهن را بازتاب دهند و روابط میان فرد، محیط و فرهنگ را بازتعریف نمایند. **مقایسه میان مؤلفه‌های سورئالیسم در آثار صادق هدایت، به‌ویژه رمان بوف کور و بازتاب‌های آن در معماری، هنگامی عمیق‌تر می‌شود که نقش «زن» به‌عنوان یک عنصر محوری در شکل‌گیری فضا، معنا و تجربه ذهنی مورد توجه قرار گیرد.** در جهان ادبی هدایت، زن صرفاً یک شخصیت روایی نیست، بلکه به‌مثابه نمادی پیچیده، چندلایه و گاه رازآلود عمل می‌کند که مستقیماً بر ادراک فضا و حس مکان تأثیر می‌گذارد. این حضور نمادین زن را می‌توان در معماری سورئال نیز مشاهده کرد؛ جایی که فضاها همانند تصویر زن در بوف کور، ناپایدار، مبهم و میان واقعیت و خیال معلق‌اند. فضاهای غیرواقعی و توهم‌آلود سورئالیستی در معماری، شباهت زیادی به بازنمایی زن در آثار هدایت دارند؛ زنی که گاه اثری، گاه دست‌نیافتنی و گاه هراس‌انگیز است و همواره مرزهای ادراک عقلانی را درهم می‌شکند. ترکیب عناصر ناآشنا و بی‌نظم که از ویژگی‌های اصلی سورئالیسم محسوب می‌شود، در بوف کور اغلب از طریق تصویر زن و نسبت او با فضا آشکار می‌شود. زن در این اثر، در محیط‌هایی ظاهر می‌شود که نظم معمول ندارند و ساختار آن‌ها نامشخص و گسسته است. این بی‌نظمی فضایی، در معماری سورئال نیز به شکل فرم‌ها و فضاهایی بروز می‌یابد که قواعد رایج طراحی را کنار می‌گذارند. به این ترتیب، زن نه تنها یک عنصر روایی، بلکه عاملی برای برهم‌زدن نظم فضایی و معناشناختی است؛ همان نقشی که معماری سورئال در تجربه فضایی مخاطب ایفا می‌کند. گسست از واقعیت و تجربه بی‌زمانی و بی‌مکانی نیز در پیوند با تصویر زن در بوف کور معنا پیدا می‌کند. زن در این اثر، اغلب خارج از زمان مشخص و مکان عینی حضور دارد و همین ویژگی، حس تعلیق و سردرگمی را تشدید می‌کند. معماری سورئال نیز با الهام از چنین مفاهیمی، فضاهایی خلق می‌کند که در آن‌ها زمان خطی و مکان تثبیت‌شده از میان می‌رود. در این میان، زن به‌عنوان نماد حافظه، میل، فقدان یا اضطراب، می‌تواند به‌عنوان ایده‌ای مفهومی در طراحی فضاهای معماری به کار رود؛ فضاهایی که تجربه زیسته کاربر را به سطحی عاطفی و ذهنی ارتقا می‌دهند. استفاده از نمادها و معانی پنهان، یکی دیگر از نقاط اتصال میان ادبیات هدایت و معماری سورئال است که در آن زن جایگاهی محوری دارد. زن در بوف کور حامل مجموعه‌ای از نمادهاست؛ از پاکی و اثری بودن گرفته تا مرگ، وسوسه و اضطراب. این چند معنایی بودن زن، مشابه نمادپردازی در معماری سورئال است که فضا را به متنی باز و قابل تفسیر تبدیل می‌کند. مخاطب همان‌گونه که در مواجهه با زن در اثر هدایت به تفسیر و تأمل واداشته می‌شود، در مواجهه با فضای سورئال نیز ناگزیر از معناسازی فعال است.

در نهایت، احساس بی‌قراری و اضطراب که از عناصر بنیادین سورئالیسم است، در بوف کور اغلب از طریق تصویر زن و نسبت او با فضا منتقل می‌شود. زن می‌تواند منبع آرامش یا منشأ اضطراب باشد و همین دوگانگی، فضای اثر را دلهره‌آور می‌کند. معماری سورئال نیز با خلق فضاهایی مبهم، تاریک یا ناپایدار، احساسی مشابه را بازتولید می‌کند؛ بنابراین، زن در این مقایسه نه تنها یک موضوع ادبی، بلکه مفهومی کلیدی برای فهم پیوند میان سورئالیسم، ادبیات و معماری به‌شمار می‌رود و می‌تواند الهام‌بخش رویکردهای مفهومی در طراحی معماری معاصر باشد.

۶- منابع

- ۱- احمدیان، موسی؛ و دهقان، سعید(۱۳۸۸). بررسی و تحلیل «سخ» اثر فرانتس کافکا بر اساس فلسفه اگزیستانسیالیستی سورن کی‌یرکگور. اندیشه‌های ادبی، ۱، ۱۵۵-۱۷۲.
- ۲- آرناسن، هاروارد هَنسون(۱۳۹۷). تاریخ هنر نوین، ترجمه از محمدتقی فرامرزی، تهران: انتشارات زرین.
- ۳- اسدی، علیرضا؛ و بزرگ‌بیگدلی، سعید(۱۳۹۱). سورئالیسم در حکایت‌های صوفیانه (معرفی یک نوع روایی کهن). فصلنامه نقد ادبی.
- ۴- اسفندیاری، سبیکه(۱۳۹۴). بررسی مؤلفه‌های مکتب سورئالیسم و مقایسه آن با مبانی عرفانی. نشریه علمی-پژوهشی پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی.
- ۵- اسمیت، لوسی(۱۳۸۰). هنر نقد هنری. ماهنامه گلستان.
- ۶- آل‌احمد، جلال(۱۳۷۷). خداوندگار. تهران: انتشارات جامی.
- ۷- امینی، ادریس(۱۳۹۴). ماهیت و پیامدهای تحول معنایی واژگان عربی در زبان فارسی، نشریه علمی-پژوهشی جستارهای زبانی.
- ۸- امینی، سعیده؛ و دهقانی چم‌پیری، اکرم(۱۳۹۸). نقش اجتناب تجربه‌ای و سرمایه‌های روان‌شناختی در پیش‌بینی احساس تنهایی با میانجی‌گری معنای زندگی در سالمندان. نشریه علوم روان‌شناختی.
doi:20.1001.1.17357462.1398.18.74.8.5
- ۹- آیینی، سجاده؛ افضلیان، خسرو؛ اعتصام، ایرج؛ و شریعت‌راد، فرهاد(۱۴۰۰). طراحی مبتنی بر روایت به‌عنوان روشی تاریخی (نمونه موردی: مسجد جامع فهرج). نشریه علمی باغ نظر، ۱۸، ۹۳-۱۱۰.
doi:10.22034/bagh.2021.274960.4816
- ۱۰- بزرگی، وحید(۱۳۸۱). پسانوگرایی: ژاک دریدا، میشل فوکو و ژان فرانسوا لیوتار. ماهنامه کتاب ماه ادبیات و فلسفه.
- ۱۱- پورمرادی، سیما؛ و صادقی شهپر، رضا(۱۳۹۷). وجودشناسی پسامدرن در رمان «پیکر فرهاد» بر اساس نظریه برایان مک‌هیل. نشریه علمی جستارهای نوین ادبی، ۵۶(۴۵).
doi:10.22067/jls.v0i0.81376
- ۱۲- جلیلی، مرجان؛ و اردلانی، حسین(۱۳۹۷). واکاوی واژه کاتارسیس ارسطو و تأثیر آن بر مخاطب تراژدی. در چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
- ۱۳- حکیم، سید جعفر(۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های مشترک بوف کور و اورلیا اثر ژرار دو نروال. فصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات فارسی بهارستان سخن، ۲۱، ۱۳۱-۱۴۸.
- ۱۴- حیدری، محمود؛ و فتحی‌فتح، ذبیح‌الله(۱۳۹۳). بررسی مبانی سورئالیسم در داستان «الشحاذ» اثر نجیب محفوظ. نشریه زبان و ادبیات عربی.
doi:10.22067/jall.v6i10.40962
- ۱۵- خلیلی جهان‌تیغ، مریم؛ و منصوری آل‌هاشم، سمانه(۱۳۹۱). تشبیه و بسامد کاربرد آن در دیوان سعیدخان مولتانی. نشریه مطالعات شبه‌قاره.
- ۱۶- سیرلوت، خوان ادواردو(۱۳۷۸). فرهنگ نمادها ترجمه از مهرانگیز اوحدی، تهران: انتشارات دستان.
- ۱۷- ذبیح‌نیا عمران، آسیه؛ و فروزان، راضیه‌سادات(۱۳۹۵). بررسی تطبیقی ژانر فانتزی در «آلیس در سرزمین عجایب» و «هلی فسقلی در سرزمین غول‌ها». فصلنامه نامه فرهنگستان.
- ۱۸- زارعی، علی‌اصغر؛ و مظفری، علیرضا(۱۳۹۲). ضحاک و بین‌النهرین. نشریه علمی-پژوهشی ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی.
- ۱۹- زینلیان، مریم؛ و کلانتری‌زاده، محمد مهدی(۱۳۹۴). بررسی تطبیقی رابطه روایت و روایت‌گری در کیفیت فضایی معماری و سینما. در اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.

- ۲۰- سلطان کاشفی، جلال‌الدین (۱۳۹۷). بررسی تأثیرات روان‌پالایی در موسیقی و ادبیات نمایشی و بازتاب آن در نقاشی و گراورسازی. فصلنامه هنرهای نمایشی و موسیقی.
- ۲۱- ضمیران، محمد (۱۳۷۹). نقد هرمنوتیکی و بن‌فکنانه. ماهنامه کتاب ماه ادبیات و فلسفه.
- ۲۲- طهماسبی، ادنان؛ و امینی، ادریس (۱۳۹۳). سورئالیسم در شعر آنسی‌الحاج. نشریه ادب عربی.
- ۲۳- غضنفریان‌پور، سمیرا؛ و چلبیانلو، غلامرضا (۱۴۰۰). اثربخشی مداخله کوتاه‌مدت شفقت به خود بر عاطفه مثبت و منفی و رضایت از زندگی. نشریه رویش روان‌شناسی.
doi:20.1001.1.2383353.1400.10.3.7.1
- ۲۴- فتوحی، محمود (۱۳۸۵). ویژگی‌های تصویر سورئالیستی. نشریه علمی-پژوهشی جستارهای ادبی.
- ۲۵- قنبری عبدالملکی، رضا (۱۳۹۳). تأثیرپذیری جریان‌های شعر «موج نو» و «حجم‌گرا». نشریه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی.
- ۲۶- قویمی، مهوش (۱۳۸۷). بوف کور و شازده احتجاب: دو رمان سورئالیست. نشریه علمی-پژوهشی پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۷- مختاباد امرئی، مصطفی؛ و پناهی، سیامک (۱۳۸۶). بررسی و تحلیل نقش معماری داخلی در تجلی معنا در فیلم‌های علمی-تخیلی. فصلنامه هنرهای زیبا.
- ۲۸- مشتاق‌مهر، رحمان؛ و دستمالچی، ویدا (۱۳۹۸). پیشینه مبانی سورئالیسم در ادبیات عرفانی. نشریه متن‌پژوهشی ادبی.
- ۲۹- مشتاق‌مهر، رحمان؛ و دستمالچی، ویدا (۱۳۹۸). عرفان و سورئالیسم از منظر زمینه‌های اجتماعی. نشریه مطالعات عرفانی.
- ۳۰- نوروزی، علی؛ و صحرايي، فاطمه (۱۳۹۳). سورئالیسم در داستان‌های «شبهه اسب سفید» زکریا تامر. نشریه زبان و ادبیات عربی.
doi:10.22067/jall.v6i10.41033
- ۳۱- رید، هربرت (۱۳۶۴). معنی هنر ترجمه از نجف دریابندری، تهران: انتشارات جمیل.
- ۳۲- بنیامین، والتر (۱۳۶۶). اثر هنری در عصر بازتولیدپذیری فن ترجمه از کیومرث پارسای، تهران: انتشارات دانشگاه خوارزمی.
- ۳۳- وانگ، دیوید؛ و گروت، لیندا (۱۴۰۰). روش‌های تحقیق در معماری ترجمه از علیرضا عینی‌فر، تهران: دانشگاه تهران.
- 34- Altobelli, E., Angeletti, P. M., Profeta, V. F., & Petrocelli, R. (2020). Lifestyle risk factors for type 2 diabetes mellitus and national diabetes care systems in European countries. *Nutrients*, 12(9), 2806.
doi:10.3390/nu12092806
- 35- Bachelard, G. (1994). *The poetics of space*. Beacon Press.
- 36- Breton, A. (2005). *Manifestoes of surrealism* (R. Seaver & H. R. Lane, Trans.). University of Michigan Press. (Original work published 1924)
- 37- Brodskaja, N. (2009). *Surrealism: Genesis of a revolution*. Parkstone International.
- 38- Cranny-Francis, A. (2013). Sculpture as deconstruction: The aesthetic practice of Ron Mueck. *Visual Communication*, 12(1), 3–25.
- 39- Ernst, M. (2016). *The surrealist revolution in art and literature*. Routledge.
- 40- Purret, A. (2014). *Analysis of Estonian wood processing industry development and perspectives* (Master's thesis).
- 41- Hafez, N. J. (2024). *Surrealism in architecture: Introducing meanings and real-life imitations*. Academia Press.
- 42- Greenberg, G. (2014). How new ideas in physics and biology influence developmental science. *Research in Human Development*, 11(1), 5-21. **doi:10.1080/15427609.2014.874730**
- 43- Kulkarni, S. (2022). *Surreal architecture: Unveiling dream wonders*. Springer.
- 44- Leshchenko, M., Lavrysh, Y., Tymchuk, L., & Lukianenko, V. (2024). Resilience enhancement through digital narratives in wartime education. *Journal of Educational Sciences & Psychology*, 14(2). **doi: 10.51865/JESP.2024.2.13**
- 45- Pavka, E. (2018). How surrealism has shaped contemporary architecture. *ArchDaily*.
<https://www.archdaily.com/894658/how-surrealism-has-shaped-contemporary-architecture>
- 46- Picon, A. (2018). *Architecture and the imagination: Surrealism in built form*. MIT Press.
- 47- Richardson, M. (2020). *Dreamscapes: Surrealism and literary imagination*. Palgrave Macmillan.
- 48- Stachura, K. (2018, April 8). *Suspension of disbelief*. Divisare. <https://divisare.com/projects/386485-kasias-tachura-suspension-of-disbelief>
- 49- Szilagyi, A. (2021). Stress and burnout for helping professionals: Counselors navigating the COVID pandemic. *Journal of Educational Sciences & Psychology*, 11(2), 128–134. **doi:10.51865/JESP.2021.2.14**

- 50- Weir, S. (2022). Surrealist architecture: Dalí's Crisalida and other experiments. *Journal of Surreal Architecture*, 1(1), 1–10. doi:10.1080/13602365.2022.2106580

Revisiting Mental Spaces and the Representation of Women in Surrealist Literature: A Case Study of *The Blind Owl* and Its Reflection in the Language of Architecture

Fatemeh Hassanali¹, Maryam Armaghan*²

1-Master's Student, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Fatemeh.hassanali@iau.ir

2-Assistant Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
(Corresponding Author)

maryam.armaghan@gmail.com

Abstract

Surrealist literature, as one of the influential movements of the twentieth century, represents an endeavor to penetrate the layers of the unconscious and reveal the hidden logic of the human mind. By merging dream and reality, this school blurs the boundary between the mind and the external world, creating a space where lived experience, imagination, and memory intermingle. In such a context, the concept of space transcends its physical limits and transforms into a manifestation of psychology, gender, and human inner life. This approach provides, not only in literature but also in other arts including architecture, a framework for rethinking spatial experience. *The Blind Owl* by Sadeh Hedayat, as a prominent example of surrealist literature in Iran, creates mysterious and mental spaces that enable the analysis of concepts such as time, perception, and gender. In this work, the representation of women plays a central role in shaping psychological and unconscious spaces and symbolically organizes the spatial structure of the narrative. This study, adopting an interdisciplinary approach and employing qualitative semiotic analysis, investigates the mental spaces and the representation of women in *The Blind Owl* and explores the reflection of its surrealist concepts in the language of architecture. Through the analysis of the text's visual and symbolic layers, spatial patterns resulting from the fusion of reality and dream are extracted and translated into spatial design concepts. The findings indicate that the application of surrealist concepts in the design process can facilitate the creation of multi-layered, introspective, and experience-centered spaces in contemporary architecture—spaces that are not merely functional but reflect the human mind and psyche.

Keywords: Surrealist Literature, The Blind Owl, Representation of Women, Mental Spaces.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)